

خیام نیشابوری

نامه‌ی از سید محمد باقر سبزواری
به سید حسن امین

از گمراه‌ساختن گروهی که به سخنان شما فریفته شده باشند، پشیمان شوید. کمک به افکار ضدّ دین ندهید و با دین علم و عقل و دلیل و برهان و منطق و میزان، مبارزه نکنید. در خاتمه معروض می‌دارم که اگر مستقیماً زحمت نمی‌دهم از حالات جناب‌عالی پیوسته مستفسر و مستحضرم و با آقای [حسن] نسوی که در انجام کارهای آن جناب کمال کوشش را دارند، به ذکر خیر مشغول هستیم. از جناب آقای والد ضمن التماس دعا عرض ارادت نیز می‌کنم. به آقای مصباح‌زاده و همه‌ی دوستان آن‌جا سلام مخصوص دارم.

یاد آرید ای مهان زین مرغزار در کنار جوینار و مرغزار
سید محمدباقر سبزواری



نامه‌ی سید محمدباقر سبزواری (استاد فقیه دانشگاه تهران) به حسن امین

□ دوست فاضل و دانشمند عزیز:

زیارت نامه‌ی محبت علامه‌ی خویشاوند علامه، صبح ما را به خیر کرد: «چنان رسید که گویی به مُرده جان آمد.» شرط اخلاص و فرط اختصاص مقتضی‌ست که حسب حالی به آن جناب عالی نویسد و همه‌وقت از پیش آمده‌های زمان و حوادث ایام خاطر عاطر را مستحضر نماید، ولی: چیست در کوزه که آن در بحر نیست / چیست در خانه که آن در شهر نیست.

آن‌جا که آن جناب غربت‌کده نامیده‌اید، کعبه‌ی آمال و قبله‌گاه جهانیان است. آری، طبق همت آن جناب، لندن، غربت‌کده می‌نماید، چنان‌که جهان با عظمت از نظر قرآن و بر وفق عقیده‌ی قرآنیان، ده‌کده می‌آید: «ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها» (آل‌یہ). اگر مصدّع اوقات نمی‌شوم و به عرض عریضه مبادرت نمی‌ورزم، نکته‌اش را می‌دانید و نوشته می‌خوانید:

«راز دل فاطر به دفاتر توان گفت.»

چندین نامه از بعضی دکترها و برخی دانشجویان به این جانب رسیده که برخی سؤالات دینی و پرسش‌های علمی کرده‌اند. مخصوصاً یک تن از دکاتره (به‌قول عرب‌ها) از جن و فرشته و حقیقت آن‌ها سؤالی کرده بود که من در ضمن تفسیر، عقاید برخی از مفسران معاصر و نظر قاصر خود را نیز گفته و از نوشتن نامه عذر خواسته بودم.

در برنامه‌ی رادیو گاهی شنیده‌ام که اصراری دارند که فرضیه‌ی داروین را زنده نگه دارند و خیام، دانشمند متقی و پارسای حقیقی را، آلوده بدانند. من در مقدمه‌ی **اسرار العبادات** (که به‌یقین جزو مبادلات دانشگاهی در آن‌جا موجود است بی‌شک)، ریاضی‌دان معروف و حکیم عالی‌مقام که نامش عمر و نام‌فامیلی او خیامی است [معرفی کرده‌ام] قاضی فارس که از دوستان نزدیک خراسانی اوست، سه سؤال علمی و دینی کرده و جواب شنیده: «سلام علی‌العلما الخیامی».

جمال‌الدین قفطی در کتاب **اخبار العلماء باخبار الحکماء** که شصت سال با مرگ خیامی فاصله دارد، احوال و اعمال او را نوشته. اتفاقاً کتاب اول را در روسیه چاپ کرده‌اند و نزد این‌جناب موجود است.

اگر این گویندگان بی. بی. سی. اهل تحقیق‌اند، به مشهورات در قهوه‌خانه‌ها توجه نکنند و دنبال افکار گلاستون نروند. اگر به حکم حس کنجکاو - که لازمه‌ی روح تحقیقی آن جناب است - با آن‌ها ارتباطی دارید، بفرمایید روزی ممکن است تغییر مسیر داد.